



باز آفرینی محلات شهر زنجان در تطبیق با شاخص‌های شهر ایرانی- اسلامی

(نمونه موردی: محلات حسینییه و نایب آقا) **

فرناز ناصری^۱، مجید شبازی^۲ , هومن ثبوتی^۳

^۱ دانشجوی دکتری، گروه معماری، واحد زنجان، دانشگاه آزاد اسلامی، زنجان، ایران. farnaznaseri@yahoo.com

^۲ (نویسنده مسئول) استادیار گروه معماری، واحد زنجان، دانشگاه آزاد اسلامی، زنجان، ایران. hoomansabouti@znu.ac.ir

^۳ استادیار گروه معماری، واحد زنجان، دانشگاه آزاد اسلامی، زنجان، ایران. hoomansabooti@yahoo.com

چکیده

بازآفرینی شهری در راستای احیای بافت‌ها و بناهای تاریخی با تأکید بر حفظ ارزش‌های فرهنگی و حفاظت از ثروت‌های بومی می‌تواند علاوه بر حفظ و تقویت استخوان بندی اصلی شهر، موجب رشد اقتصادی و توسعه شهری گردد و گروه‌های اقتصادی مناسبی را برای ارتقاء درآمدهای شهری ایجاد کند. از سوی دیگر شهر ایرانی- اسلامی واقعی است که وجود دارد و لازم است ضوابط و مقررات آن با توجه به صفات، ارزش‌ها و زبان طراحی آن تدوین و مشخص گردد. در این پژوهش که یک تحقیق کاربردی است و مبتنی بر مطالعات اسنادی، روش پیمایشی- توصیفی می‌باشد، تلاش شده است ضمن تبیین معیارها و شاخص‌های شهر ایرانی- اسلامی به بررسی وضع موجود در محلات حسینییه و نایب آقا در شهر زنجان پرداخته شود. عوامل دخیل در بازآفرینی شهری که مطابق با شاخص‌های شهر ایرانی- اسلامی است مشخص شده و به دنبال آن معیارهایی برای بازآفرینی محلات تاریخی ارائه شده که با رعایت آن‌ها محلات هدف بازآفرینی، انطباق پذیری بیشتری با اصول شهر ایرانی- اسلامی خواهد داشت. یافته‌های پژوهش حاکی از این است که در محدوده مورد مطالعه، حفظ برج و باروی تاریخی شهر و تکیه حسینییه به عنوان اصول اصلی شهر ایرانی- اسلامی بایستی در اولویت طرح قرار گیرد. بنابراین شناخت دقیق شاخص‌های شهر ایرانی اسلامی گامی مهم در بازآفرینی الگوی شهر است.

اهداف پژوهش:

۱. آشنایی با اصول معماری شهرهای ایرانی و اسلامی.

۲. یافتن معیارهای مطلوب برای بازآفرینی محلات تاریخی با تکیه بر اصول شهرهای ایرانی - اسلامی.

سؤالات پژوهش:

۱. معیارها و شاخص‌های شهر ایرانی- اسلامی کدامند؟

۲. آیا در بازآفرینی‌های شهری می‌توان الگوی شهرهای ایرانی- اسلامی را به عنوان الگوی طراحی انتخاب کرد؟

** این مقاله برگرفته از رساله دکترای نویسنده اول فرناز ناصری با عنوان "شناسایی و تبیین عناصر موردنیاز برای بازآفرینی شهری در بافت‌های فرسوده و ناکارآمد" به راهنمایی دکتر مجید شبازی و استاد مشاور دکتر هومن ثبوتی در دانشگاه آزاد اسلامی زنجان می‌باشد.

اطلاعات مقاله

مقاله پژوهشی

شماره ۴۰

دوره ۱۷

صفحه ۳۳۳ الی ۳۴۹

تاریخ ارسال مقاله: ۱۳۹۸/۱۱/۲۴

تاریخ داوری: ۱۳۹۹/۰۱/۲۳

تاریخ صدور پذیرش: ۱۳۹۹/۰۲/۲۷

تاریخ انتشار: ۱۳۹۹/۱۲/۰۱

کلمات کلیدی

بازآفرینی الگوی شهری،

شهر ایرانی-اسلامی،

محلات تاریخی،

شهر زنجان.

ارجاع به این مقاله

ناصری، فرناز، شبازی، مجید، ثبوتی،

هومن. (۱۳۹۹). باز آفرینی محلات

شهر زنجان در تطبیق با شاخصه‌های

شهر ایرانی اسلامی (نمونه موردی

محلات حسینییه و نایب آقا). هنر

اسلامی، ۱۷ (۴۰)، ۳۳۳-۳۴۹.



[dori.net/dor/20.1001.1
1735708.1399.17.40.19.9/](https://doi.org/10.22034/IAS.2020.223525.1212)



[dx.doi.org/10.22034/IAS
.2020.223525.1212/](https://doi.org/10.22034/IAS.2020.223525.1212)

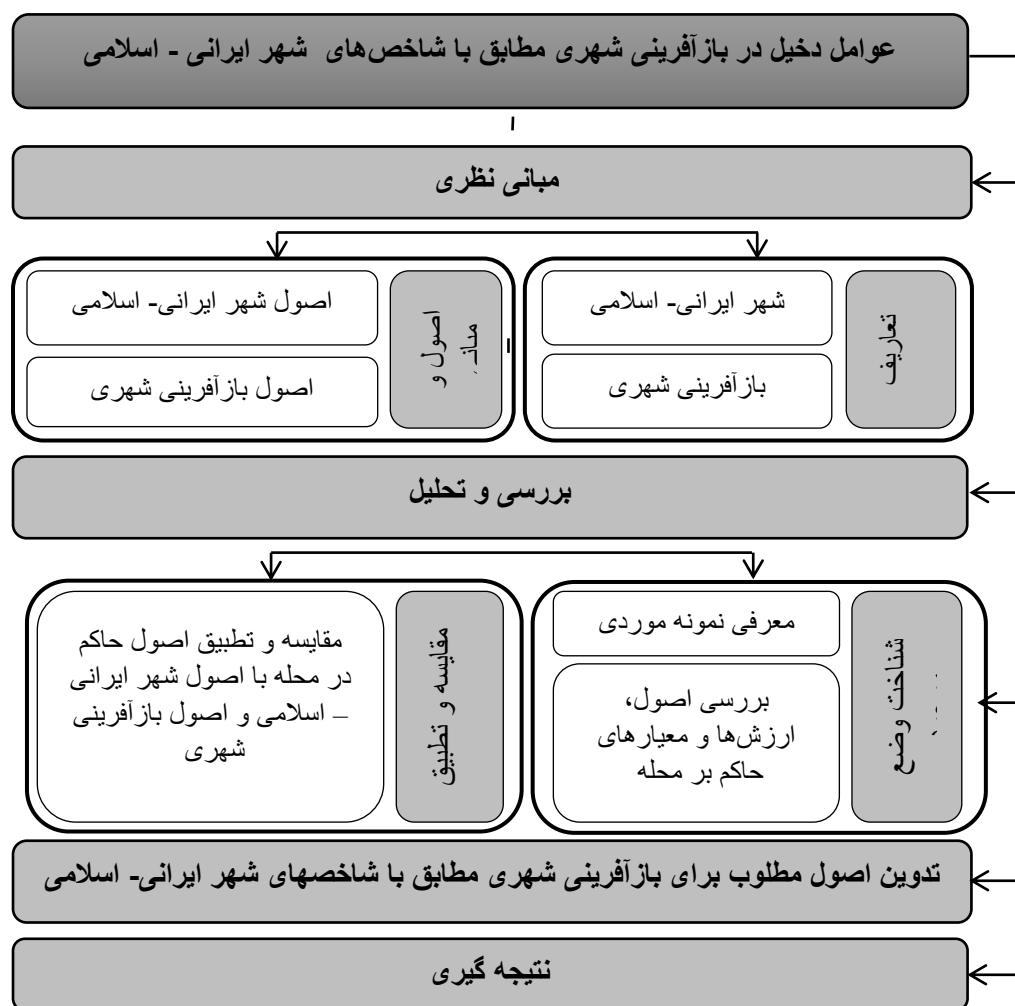
مقدمه

بی تردید تغییر و تحول، لازمه زندگی بشر و تداوم و تکامل است و با میزان و شتاب متفاوت، ردپایی را از خود در زمان و مکان بر جای می گذارد. در دهه های اخیر رشد شتابان شهرنشینی، توسعه و گسترش بی رویه شهرها، تنگناها، معضلات و پیچیدگی هایی را به همراه داشته است. از پیامدهای این پدیده، شدت یافتن ضرباهنگ "تغییر" فضایی - کالبدی شهرها به طور اعم و مراکز شهری، بافت های کهن و اصولاً بخش های مرکزی شهرها به طور اخص بوده است که اغلب سبب افت منزلت های اجتماعی، نابسامانی در سازمان فضایی - کالبدی، زوال اقتصادی و ناکارآمدی کارکردی در این محدوده ها شده است. فرایند تغییر و تحول، همواره تابع ساز و کارها و نیروهای خاصی است که بررسی آن ها می تواند منطق و الگوی فضایی شهر را در هر دوره مشخص کند. شهرهای ایرانی - اسلامی در مسیر تحول خود در یک صد سال اخیر با تحولات عمیق کالبدی و فضایی روبه رو بوده اند. یکی از عواملی که می تواند به عنوان معیاری، در نحوه دگرگونی، مدنظر قرار گیرد، تحلیل ساختار کالبدی فضایی شهر است. شهر به مثابه بستر زندگی جمعی در جوامع مختلف ویژگی های متفاوتی داشته است. بررسی روند شکل پذیری شهرهای مختلف در تاریخ، اثرپذیری آن را از مؤلفه های اقلیمی، محیطی، اعتقادی، تاریخی، اقتصادی، اجتماعی و دینی نشان می دهد. بررسی پیشینه شهر و شهرنشینی در اسلام، نشان می دهد که پایه های بنیادین شهر در ابتدا با اهداف سیاسی، نظامی، اقتصادی و فرهنگی شکل گرفته است. با تثبیت سیاسی و ظهور دولت های مقتدر مسلمان نظیر امویان و عباسیان و پیدایش قدرت ها و امپراتوری های منطقه ای نظیر عثمانیان و صفویان، الگوی مشخص و تعریف شده ای از ساخت و شکل شهر ارائه شد که در قلمرو حکومت ها بارها مورد استفاده قرار گرفت. امروزه نبود الگویی متناسب با بستر اجتماعی، اقتصادی و جغرافیایی کشور و تکیه بر الگوهای وارداتی، تصمیم گیران را با مشکل روبه رو کرده و این موضوع یکی از عواملی است که میزان تحقق اجرای برنامه ها و طرح ها را به حداقل رسانده است. در کشور ایران برخلاف سنت شهرسازی ایرانی - اسلامی، عناصر جدید الگو گرفته شده از مغرب زمین همچون خیابان ها، بزرگراه های سواره، آپارتمان های مسکونی، برج های تجاری و اداری و ... مورد توجه مسئولان و مدیران شهرهای امروزی قرار گرفته و هر روز گسترده تر از قبل باعث تخریب بافت محلات موجود گردیده اند؛ روندی که سبب گسست روابط اجتماعی و ایجاد بی هویتی در ساکنان شهرها گردیده و ادامه آن تبعات مخاطره آمیز مادی و معنوی فراوانی به همراه خواهد داشت لذا انجام پژوهش بنیادی در ایجاد ساختار فضایی مناسب می تواند گامی مهم در تحقق ساختار فضایی شهری مناسب باشد.

در دهه های اخیر، پژوهشگران مطالعات تخصصی بسیاری در زمینه شهر اسلامی و ویژگی های آن انجام داده اند که هدف تمامی آن ها شناخت و تحلیل سازوکارهایی است که در شکل گیری، تحول و توسعه شهر اسلامی دخالت داشته اند. این مطالعات بیشتر بر گونه شناسی بافت شهری و شناخت اصول مرتبط با طراحي و بنیان شهر متمرکز بوده است (Akbar, 1988; Hathioul, 1996; Ben-Hamouche, 2003; Hakim & Zubair, 2006; Hakim, 2007). کونئو (۱۳۸۴) در کتاب «تاریخ شهرسازی جهان اسلام» بر آن است که پیچیدگی موجود در شهرهای تاریخی مسلمانان علاوه بر بافت، بر ساخت و توزیع فضایی عناصر شهر نیز تأثیر گذاشته است؛ به گونه ای که ویژگی فضاهای شهری این شهرها بر اساس کیفیت فضاهای معمارانه و استخوان بندی اندام وار آن ها شکل و تجلی یافته است. مهم ترین ویژگی اصلی این فضاها، آرایش و چیدمان فضایی شهر با آگاهی کامل از طبیعت، توسعه، فعالیت های اجتماعی و تناسب آن با مشغله های فردی است؛ به طوری که در عملکردها و تناسبها رعایت شده است و هر عملکرد رابطه مستقیمی با مقیاس خود دارد. شکویی (۱۳۷۸) در کتاب «اندیشه های نو در فلسفه جغرافیا» معتقد است که ساختار کالبدی

نتیجه‌ای از فرایندهای طبیعی، اجتماعی و اقتصادی است. به دلیل ماهیت، ویژگی و عملکرد خود می‌تواند به‌عنوان مبنایی برای نحوه دگرگونی و تحول شهر اسلامی مورد توجه قرار گیرد.

پژوهش حاضر بر آن است تا به واکاوی چگونگی بازآفرینی محلات قدیم بپردازد. در این چارچوب، این تحقیق که یک تحقیق کاربردی است و مبتنی بر مطالعات اسنادی، روش پیمایشی- توصیفی می‌باشد بر پایه شناخت کلی موضوع، انواع بافت‌ها و شیوه‌های مداخله صورت گرفته و بر اساس مطالعات میدانی و مرور اسناد و اطلاعات حاصله از منابع کتابخانه‌ای تهیه شده است. با ساختاری که در دیاگرام شماره ۱ نشان داده شده است به دنبال یافتن معیارهای مطلوب برای بازآفرینی محلات تاریخی با تکیه بر اصول شهرهای ایرانی- اسلامی است. ناگفته نماند تجربیات و اندوخته‌های نگارندگان در امر احیا و نوسازی بافت‌های فرسوده، نقش مؤثری در انجام این پژوهش داشته است.



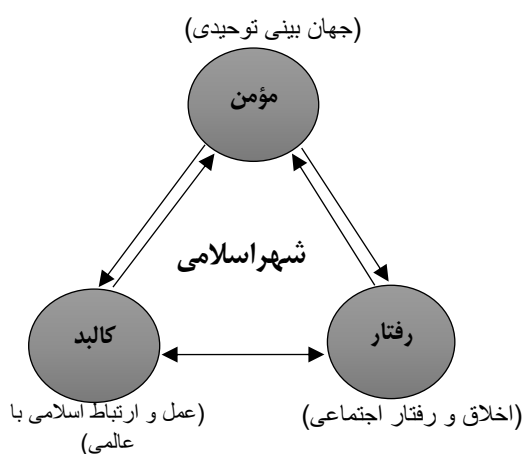
دیاگرام شماره ۱: ساختار پژوهش

مطالعه و بررسی شهرهای ایرانی - اسلامی نشان می‌دهد که سازمان فضایی شهر ایرانی پس از اسلام به گونه‌ای بنیادین متفاوت از شهر قبل از اسلام شکل گرفته است. این تفاوت که ناشی از بینش و فهم جدید مسلمانان نسبت به جامعه و نقش افراد در آن است، سازمان متفاوتی از شهر را که دارای تفاوت‌های بنیادی و ماهیتی با آنچه در ایران باستان به عنوان "شهر" خوانده می‌شد، دارد. مفهوم اجتماع و ارتباط افراد در جامعه ایران قبل از اسلام چندان شناخته شده نبود و مفاهیم اسطوره‌ای و قداست‌بخش به انسان‌ها، مکان‌ها و عناصر طبیعت ساختار شهر را تعیین می‌کرد. این تفاوت در ساختار شهرهای پس از اسلام، به خوبی توانست خود را با عوامل دیگر تأثیرگذار بر شکل‌گیری شهر تلفیق کند و گونه جدیدی از شهر را به وجود آورد. در این شهرها، الگوی مبتنی بر نفی طبقات اجتماعی، برابری حقوق شهروندان، طبیعت‌پسندی و اهمیت زندگی جمعی با ویژگی‌هایی چون تداوم هویت تاریخی، رعایت ویژگی‌های اقلیمی و زیبایی‌شناسی ایرانی، توانست الگویی جدید را به جهان عرضه کند که در عین اشتراک سازمان فضایی آن، با شهرهای مسلمانان در نقاط دیگر جهان، دارای ویژگی‌های اختصاصی شهر اسلامی ایران نیز شناخته شود (منصوری، ۱۳۹۲: ۶۳). در حوزه مباحث شهری، مفهوم ساخت و ساختار به مجموعه روابطی گفته می‌شود که میان اجزا و عناصر طبیعی و انسانی به عنوان سیستم جغرافیایی وجود دارد و در نهایت منجر به خلق چشم‌اندازهای فرهنگی انسانی می‌گردد (پوراحمد، ۱۳۷۰: ۲).

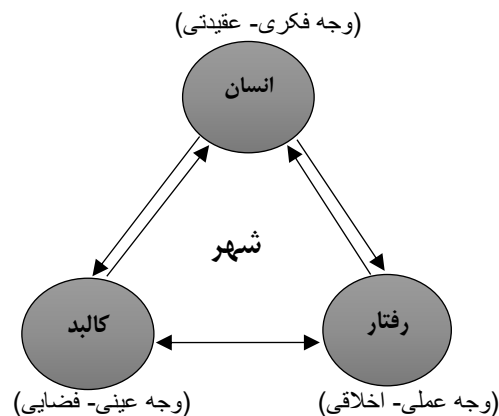
از آنجا که شناسایی عناصر هر سیستم و روابط و قواعد درونی آن‌ها، که سبب قرارگیری این اجزا در کنار یکدیگر می‌شوند، در تعریف ساخت مؤثرند، بنابراین در اینجا مفهوم ساختار به مجموعه قواعدی اطلاق می‌شود که رابطه‌ها و موقعیت‌ها را توجیه می‌کند؛ به عبارت دیگر ساختار، مجموعه‌ای از روابط است که در آن عناصر می‌توانند تغییر یابند ولی به شکلی که متکی به کل، باقی بمانند و مفهوم خود را حفظ کنند. پس در هر پدیده‌ای، روابط بین عناصر مهم‌تر از خود عناصر است؛ زیرا، عناصر دارای قابلیت تغییر درونی هستند، ولی روابط بین آن‌ها ثابت باقی می‌ماند (حمیدی و دیگران، ۱۳۷۶: ۱۲). ورود اسلام به ایران نیز مقدمه تغییر روابط ساختاری را در شهر ایرانی فراهم آورد. اسلام با جهان‌بینی خود، علاوه بر تحول در ساخت اجتماعی، فرهنگی و ایدئولوژیک، ساختار کالبدی فضایی شهر ایرانی را نیز متأثر کرده است. این تأثیر به واسطه ورود عناصری چون مسجد جامع، حسینیه و تکایا شکل جدیدی از روابط متقابل را در ساختار کلی شهر بازتعریف کرده است (Azam, ۲۰۰۷: ۳). شهر اسلامی یک الگوی منحصر به فرد از سازمان فضایی است که منعکس‌کننده یک ایدئولوژی اساسی است. درواقع این شهر تعریف همبستگی انسان و محیط‌زیست در داخل شهر است (Daher, ۲۰۰۶: ۱۶۲) دین اسلام توصیه‌هایی در باب حقوق، معیشت، معاملات، جزاء، روابط اجتماعی، اخلاقی و معماری دارد و شهر اسلامی که بر اساس این ارزش‌ها و توصیه‌ها شکل می‌گیرد، شهر مطلوب الهی است (مروتی و دارابی، ۱۳۹۳: ۱۵۵). چیدمان کالبدی عناصر جدید در بستر کنونی شهر، روابط جدید فضایی را بر اساس عملکرد و مقیاس فراهم کرده که شناخت این روابط مستلزم درک و تحلیل منطق کالبدی فضایی این عناصر است.

۲. عناصر اصلی شهر ایرانی - اسلامی

هر شهر، تجلی باورها و آرمان‌ها و ارزش‌های فرهنگی مردم است، مشتمل بر ویژگی‌ها و فضاها و عناصری که مردم را در شیوه زیست‌شان راهبری و کمک می‌کند و بر فرهنگ و رفتار مردمان تأثیر دارد. ارکان این شهرها مطابق دیاگرام شماره ۲ دارای سه وجه است که همگی وابسته به انسان است. برای ظهور شهر اسلامی مطابق دیاگرام شماره ۳، انطباق و همپوشانی سه فضا یا عنصر ضرورت دارد. عنصر اول، فضای فکری است. طبق این عنصر، شهر اسلامی فقط کالبد نیست بلکه انسان اصلی‌ترین نقش را به عهده دارد و فضای فکری یا به عبارتی جهان‌بینی توحیدی و ایمان، مهم‌ترین عامل تعریف‌کننده شهر اسلامی است. در عنصر دوم که مربوط به فضای عمل و رفتار می‌شود، عمل و رفتار مسلمانان، مطابق دستوراتی که از تعالیم اسلامی استنباط می‌شود، شکل می‌گیرد. از جمله رفتارهای اهل شهر می‌توان به عدالت، امنیت، رعایت حقوق شهروندان، تعاون و مشارکت اشاره کرد. سومین عنصر، فضای عینی یا کالبدی است. بر این اساس کالبد شهرهای اسلامی با احداث مسجد جامع، رنگ و بوی اسلامی به خود می‌گیرد و پس از آن بناهای دیگری مانند مدرسه، پل و کاروانسرا نیز به‌عنوان عناصر اصلی سازنده شهر احداث می‌شود (لطیفی و صفری چابک، ۱۳۹۱: ۵)، اما شهر اسلامی چه خصوصیتی دارد، آیا شهری است با گنبد و مناره‌های متعدد، برخوردار از اماکن مذهبی متنوع و دارای چهره تاریخی و باستانی مانند شهرهای اوایل اسلام؟ و یا شهری است با انسان‌هایی موحد؟ برای ظهور یک شهر اسلامی، انطباق و همپوشانی سه فضا به‌عنوان ارکان اصلی ضرورت دارد. این سه فضا عبارت‌اند از: ۱- فضای فکری، ۲- فضای عملی ۳- فضای عینی یا کالبدی.

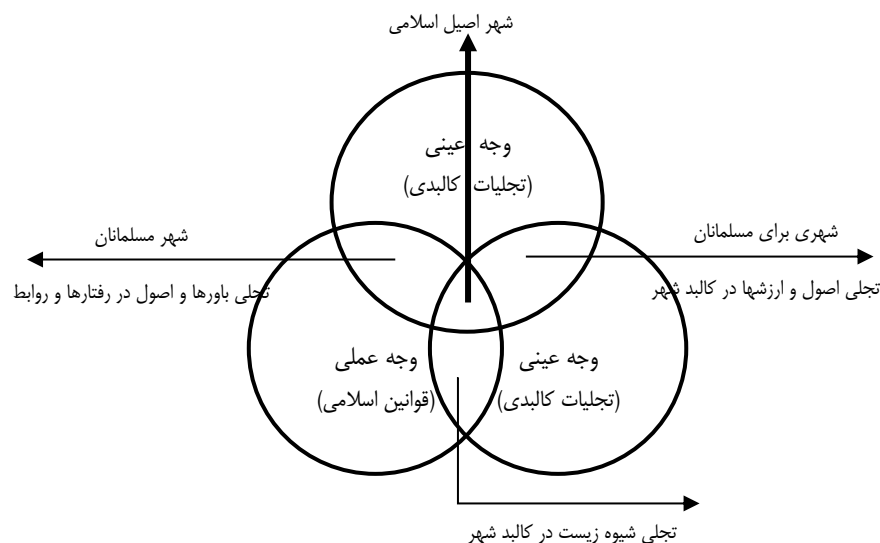


دیاگرام شماره ۳: ارکان اصلی شهر اسلامی
(مأخذ: نقی زاده، ۱۳۸۷)



دیاگرام شماره ۲: ارکان اصلی شهر
(مأخذ: نقی زاده، ۱۳۸۷)

چنانچه این سه فضا را به صورت دوایری متقاطع نشان داده شود، بهترین حالت وقتی است که سه دایره بر هم منطبق باشند و بدترین حالت وقتی است که این دوایر هیچ نقطه مشترکی با یکدیگر نداشته باشند اما در حالت معمول می توان آن ها را مانند دیاگرام شماره ۴ به صورتی ترسیم کرد که دو به دو و هر سه با یکدیگر سطح مشترکی داشته باشند. این سطح مشترک مصداق شهر اصیل اسلامی است که بر اساس دستورات و اخلاق اسلامی ساخته شده و تجلیگاه ارزش های اسلامی است (نقی زاده، ۱۳۸۷: ۵۳)



دیاگرام شماره ۴: روابط وجوه سه گانه مؤثر در شکل گیری شهر اسلامی (مأخذ: نقی زاده، ۱۳۸۷)

عناصر و اجزایی که در شهرهای کهن ایران وجود داشته دارای نوعی ارتباط متقابل فضایی یکپارچه و به هم پیوسته بوده اند. در شهرهای اسلامی فضاهایی مانند مسجد جامع، بازار، مرکز حکومت، فضاهای مسکونی و ... ضمن آن که هرکدام جا، مرتبه و شخصیت خاص خود را در سلسله مراتب فضاهای شهری حفظ کرده و به ایفای نقش خود می پردازند، باهم مجموعه واحدی را پدید می آورند که شهر را از نظر فضا واحدی منسجم و به هم پیوسته نشان می دهد. عناصر اصلی مجموعه شهری در شهرهای اسلامی عبارتند از: ۱- ارگ و بارو ۲- مسجد جامع ۳- بازار. در این میان ارگ به عنوان عنصر سیاسی از سایر عناصر جدا شده و با ایجاد حصار و بارو در اطراف آن به صورت کانون اصلی شهر تجلی می کند. بخش دوم شارستان از نظر شکل یابی با دوره های قبل از اسلام تفاوتی ندارد ولی از نظر محتوا کاملاً متفاوت است. عناصر فرهنگی مذهبی، بازار و محلات در این بخش قرار می گرفته است (اسماعیلی برلیان، ۱۳۸۹: ۶۴)

پژوهش های متعددی با استفاده از رویکرد چیدمان در جهان و ایران و با محوریت شهرهای اسلامی انجام شده است. به طور نمونه، اعظم با بررسی ساختار کالبدی فضایی ۹ شهر اسلامی به تحلیل رابطه گونه شناسی معماری مسجد جامع با مورفولوژی شهر پرداخته است. یافته ها نشان می دهد که چیدمان فضایی عنصر مسجد جامع در ارتباط مستقیم با ساختار و استخوان بندی اصلی شهر قرار دارد. این ویژگی کالبدی فضایی مسجد، انعکاسی از اصول اسلامی و آموزه های دینی است و با منطق اجتماعی آن در ارتباط است. نگاه اسلام به مسجد، به عنوان فضایی اجتماعی و مکانی برای قرار گرفتن گروه های مختلف اجتماعی در کنار یکدیگر و شکل گیری تعاملات میان آن ها (فارغ از هر رنگ و نژاد

و جایگاه) است (Azam, 2007: 11) از این رو، مسجد در موقعیتی از نظر مکانی و فضایی قرار دارد که تمامی گروه‌های اجتماعی می‌توانند به آن دسترسی داشته باشند کریمی (۱۳۷۶) نیز با مطالعه ساختار ۶ شهر ایرانی به بررسی رابطه عناصر اصلی با ساختار کلی شهر پرداخته است. نتایج نشان می‌دهد که رابطه و منطق فضایی توزیع عناصر اصلی شهر نظیر بازار، میدان‌ها، کاروانسراها و مسجد جامع با کلیت شهر، منطق فضایی با نحوه استفاده مردم از فضا، عملکردهای اجتماعی اقتصادی آن و الگوی دسترسی‌ها در ارتباط مستقیم است. بنابراین تحلیل ساختار کالبدی فضایی شهر اسلامی، متأثر از ساخت کالبدی، و منطق فضایی عناصر آن بر اساس قوانین شریعت اسلامی، نیاز اجتماعی و کارکرد اقتصادی شکل و توسعه یافته است.

۳. بازآفرینی شهری و اصول آن

بازآفرینی شهری، رویکردی در راستای توسعه درون‌زایی شهری است و در حقیقت به کارگیری توان بالقوه و بالفعل موجود در برنامه‌ریزی‌های شهری، تلاش در جهت ایجاد تعادل در نحوه توزیع کیفی و کمی جمعیت، هماهنگی میان بنیان‌های زندگی اجتماعی و گریز از فقر شهری و در نهایت استفاده از مشارکت و پوشش اجتماعی مردم است (نوریان و آریانا، ۱۳۹۱). بازآفرینی محیط‌های شهری از رکود اقتصادی، محیطی، اجتماعی و فرهنگی که در اثر زوال و تخریب کالبد به وجود می‌آید، جلوگیری می‌کند (Robert & Sykes, 2000). همچنین می‌توان ادعان داشت که بازآفرینی شهری به مفهوم بهبود و تقویت مناطق خاص شهری از طریق چرخه احیای مجدد اقتصادی، افزایش تعداد مسکن، بهبود کیفیت زندگی جمعیت محلی و جذب ساکنین جدید بعد از یک دوره زوال و نابودی بیان می‌گردد (Van der Borg & Russo, 2008). این رویکرد تنها به دنبال باز زنده‌سازی مناطق متروکه نیست، بلکه با مباحث گسترده‌تری همچون اقتصاد رقابتی و کیفیت زندگی به‌خصوص برای کسانی که در محله‌های فقیرنشین زندگی می‌کنند، سروکار دارد. به‌صورت ایده آل، بازآفرینی شهری مشتمل بر فرموله کردن اهداف سیاسی، اجرای آن از طریق برنامه‌های اجرایی و بازنمایی مداوم عملکرد است. واژه Regeneration از ریشه فعل Regenerate به معنای احیاء کردن، جان دوباره بخشیدن، احیاء شدن و از نو رشد کردن گرفته شده است. در مطالعه‌های شهری به معنای احیاء، تجدید حیات، معاصر سازی و بازآفرینی بکار می‌رود. این رویکرد مفهوم جامعی است که به معنای بهبود وضعیت مناطق محروم در جنبه‌های اقتصادی، کالبدی، اجتماعی و فرهنگی می‌باشد (Hajipour, 2007, 16). بنابراین بازآفرینی شهری عبارت است از: دید جامع و یکپارچه و مجموعه اقدام‌هایی که به حل مسائل شهری منجر می‌شود، به‌طوری‌که بهبود دائمی در شرایط اقتصادی، کالبدی، اجتماعی و زیست‌محیطی ناحیه‌ای را که دستخوش تغییر شده، فراهم کند. هدف از اجرای سیاست‌های بازآفرینی شهری و برنامه‌های تجدید حیات شهری، ارتقا شرایط کیفی زندگی در سکونت‌گاه‌ها از طریق ایمن‌سازی و مقاوم‌سازی ساختمان‌ها، توسعه و بهبود زیرساخت‌های شهری، تأمین خدمات شهری موردنیاز، آموزش ساکنان، ایجاد فرصت‌های شغلی، تقویت نهادهای مدیریت محلی و دفاتر خدمات محله‌ای مردم‌نهاد، الگوسازی و ترویج قواعد و دستورالعمل‌های کیفی ساخت‌وساز است (پوراحمد و همکاران، ۱۳۸۹: ۷۴). علاوه بر این، بازآفرینی شهری بر این مطلب تأکید دارد که طرح و اجرای هرگونه روش برای مقابله با مشکلات شهرهای بزرگ و کوچک، باید دارای اهداف بلندمرتبه و راهبردی باشد. یکی از سیاست‌های مطرح شده برای شاخص عدالت در شهرهای ایرانی اسلامی تدوین قوانین جدید برای جلوگیری از توزیع ناعادلانه خدمات در بافت‌های مختلف شهری است (رحمتی دلبر و ملک

حسینی، ۱۳۹۸: ۱۸۱). در این میان بافت‌های فرسوده و محلات هدف بازآفرینی در اولویت قرار دارند. علی ای حال، پس از بررسی‌های انجام‌شده، سه دیدگاه مؤثر در خصوص بازآفرینی شهری به شرح جدول شماره (۱) مستخرج گردید که تأکید این مقاله بر دیدگاه فرهنگ‌گرایی بوده و ادامه بحث و بررسی‌ها در این خصوص خواهد بود.

جدول شماره (۱): اصول و معیارهای دیدگاه‌های مؤثر در بازآفرینی شهری

دیدگاه	اصول و معیارها	مأخذ
فرهنگ‌گرایی	-توجه به میراث فرهنگی و جلوگیری از نابودی تاریخ گذشته -توجه به فرهنگ ملی و سنت‌های قدیمی در توسعه شهری و بهسازی و مرمت -تکمیل بناها به سبک گذشته و کاربری موزه‌ای و مرمت بافت و بناهای شهری	حبیبی، ۱۳۷۵، ص ۱
انسان‌گرایی	-توجه به طبیعت و فرهنگ -توجه به حرکت انسان در فضاهای شهری -الهام از شالوده‌های پنهان و بارز کردن آن‌ها در بهسازی و نوسازی شهری -بهبود محیط شهری و شرایط زیستی ساکنان با مشارکت شهروندان -مطرح نمودن طرح‌های مرمتی با طرح‌های آمایش و شناخت محیط جغرافیایی -انجام بهسازی و نوسازی بر اساس بافت ارگانیک و سلسله‌مراتب عملکردی - شهر قدیم و انطباق مکان و زمان در بنا یا مجموعه‌های شهری با حضور مطالعه‌های برنامه‌ریزی شهری	Hall, 1995, p. 229
بینابینی یا واقع‌گرا	معتقد است که کلیتی که از آن به‌عنوان بافت قدیمی یاد می‌شود مجموعه‌ای همگن و هم ارزش نیست، بلکه طیف وسیعی از ارزشمندترین عرصه‌ها و مجموعه‌های تاریخی تا بخش بسیار فرسوده بافت شهری، که در برخی موارد حتی فاقد ارزش نگهداری را دربرمی‌گیرد.	آرمان‌شهر، ۱۳۸۶، ص ۱

چنانچه بخواهیم اصول مشترک بازآفرینی شهری را در سه دیدگاه بالا به‌صورت کلی نشان دهیم این اصول را می‌توان در جدول شماره ۲ خلاصه کرد:

جدول شماره (۲): اصول کلی بازآفرینی شهری

شاخص‌ها	اصول و معیارها
شاخص‌های کالبدی - محیطی	مقیاس انسانی / پیوستگی فضایی / هم‌پیوندی واحدهای مسکونی / مسجد و اماکن مذهبی / میدانگاه در هسته مرکزی / نظافت و پاکیزگی / مسیر ویژه عابران پیاده / سلسله‌مراتب / محصوریت / تباین / زیبایی
شاخص‌های اقتصادی	ترکیب کاربری‌ها / راسته‌های تجاری / بازار / دسترسی به خدمات و تسهیلات محله‌ای / یکسان بودن قیمت زمین در سطح محله
شاخص‌های اجتماعی	روابط همسایگی / همبستگی اجتماعی / حس تعلق به محله / هم‌محله‌ای بودن / ایده برادری و وحدت / امنیت / آرامش و آسایش / حریمیت / فضای باز برای فعالیت و رویداد

در سال ۱۳۹۷ محمدی و آزاده، در مقاله‌ای با عنوان "مقایسه تطبیقی محله‌های نوساز و قدیمی اصفهان از نظر میزان انطباق‌پذیری با شاخص‌های ایرانی-اسلامی"، به استخراج شاخص‌های طراحی محله‌های مسکونی بر اساس اصول دین اسلام پرداختند. آن‌ها برای تدوین این معیارها و شاخص‌های محله‌های اسلامی از سه طریق ۱- بررسی مکتب اصفهان به‌عنوان آخرین مکتب موجود در ایران ۲- مورد مطالعه قرار دادن معیارها و شاخص‌های نویسندگان و پژوهشگران در مطالعات ۳- تحلیل اصول پنج‌گانه دین اسلام و تأثیرات این اصول بر کالبد شهر اقدام نمودند و نهایتاً معیارها و شاخص‌های مورد مطالعه در جدول شماره ۲ جمع‌بندی شد. این جدول فرایند و مدل تبدیل اصول دین اسلام به شاخص‌های برنامه‌ریزی و طراحی شهری را نشان می‌دهد.

جدول شماره (۳): معیارها و شاخص‌های پیشنهادی در مطالعات محققان برای طراحی محله‌های اسلامی

ردیف	معیارها و شاخص‌های مورد مطالعه		مأخذ
	معیار	شاخص	
۱	کالبدی	مسجد/ میدانگاه‌ها در هسته مرکزی	باستانی زاده، ۱۳۹۱
	اقتصادی	بازار	
۲	کالبدی	پیوستگی فضایی/ وحدت و تنوع فضایی / سلسله‌مراتب / اهمیت دادن به مفهوم محله	لطیفی و چابک، ۱۳۹۱
	اجتماعی	تأکید بر روابط اجتماعی	
۳	اجتماعی	ارزش‌های فرهنگی/ همبستگی اجتماعی/ مدیریت محله‌ای	ثقه الاسلامی و امین زاده، ۱۳۹۲
	کالبدی	مسجد/ قلمرو/ سلسله‌مراتب/ هم‌پیوندی	
۴	اجتماعی	ارتقای مشارکت مردمی/ توجه به شعایر در فضاهای شهر/ نهی ضرر به دیگران در ساخت‌وساز/ توجه به اصل عفاف در طراحی فضاهای شهر/ زندگی مسالمت‌آمیز	نقره‌کار و دیگران، ۱۳۹۲

۵	اجتماعی	بهداشت/ محرمیت/ عدالت اجتماعی/ مشارکت مردمی/ امنیت/ تعاملات مردمی / آرامش و آسایش	کلانتری خلیل آباد و دیگران، ۱۳۹۳
۶	کالبدی	تفکیک حریم های فضایی/ خوانایی/ بوم گرایی و سازگاری با طبیعت	موقر و دیگران، ۱۳۹۴
	اجتماعی	وحدت در کل / همبستگی اجتماعی/ غنای حسی / کارایی/ پرهیز از بیهودگی و اسراف/ ایمنی و امنیت/ مردم واری و تناسبات انسانی فضا/ آسایش و رفاه/ هویت/ خودکفایی	
۷	اجتماعی	اصل هم پیوندی/ اصل تجمع/ اصل تمرکز و مرکزیت/ اصل استقرار/ پویایی و ایستایی	غلامی و دیگران، ۱۳۹۴
	کالبدی	اصل محصوریت/ اصل تباین / اصل مقیاس انسانی	
۸	اجتماعی	مسیر ویژه عابران پیاده/ حریم خصوصی/ طراحی و الگوی گردش	Safaee et al, 2016
	کالبدی	مسجد/ حق همسایگی/ فضای باز برای فعالیت و رویداد	
۹	اجتماعی	مرکزیت/ انسجام اجتماعی/ مدیریت محله/ استقلال محله	Khazaei & Babajani, 2016
	کالبدی	قلمرو/ سلسله مراتب/ پیوستگی	
۱۰	اجتماعی	ایده خلیفه و حاکم/ مشارکت همگانی/ آموزش برای نسل جوان/ ایده برادری و وحدت/ مراقبت از خود و جامعه	Rozhan et al, 2016
	کالبدی	کیفیت محیط زندگی/ مسجد به عنوان مرکز فعالیت	

۴. باز آفرینی محلات شهر زنجان در تطبیق با شاخص های شهر ایرانی - اسلامی (نمونه موردی: محلات

حسینیه و نایب آقا)

محلات حسینیه و نایب آقا در یک شهر سنتی زنجان و در مجموعه ای از بافت مسکونی در پیوند با ورودی های بازار و همجوار با مسجد قرار دارند (علوی زاده و همکاران، ۱۳۹۷: ۳۶). شهر زنجان در محدوده شمال غربی ایران واقع شده است. این شهر دارای محلات قدیمی و جدیدی در بطن خویش است. این محلات که به دو بخش محلات قدیمی و محلات جدید تقسیم می گردند، وجه تمایزشان در شیوه ساماندهی درون محل های، معابر متفاوت، پیوستگی فضایی و فرسودگی کالبدی در محلات قدیمی و در محلات جدید بر شیوه توسعه محله ای وارد شده در دهه ۶۰ بر مبنای الگوی برونزا در کالبد شهر مشاهده می شود. همان گونه که مطرح گردید، قریب به ۶۰ محله را در شهر زنجان موجود است که تعداد ۳۵ محله جزء محلات قدیمی و تعداد ۲۵ محله آن ها جزء محلات جدید هستند. در این تقسیم بندی محلات حسینیه و نایب آقا از محلات اولیه تاریخی به حساب می آید که با توجه به موقعیت نسبی آن در جنوب غربی شهر زنجان قرار گرفته است. این محلات، با دارا بودن پتانسیل ها و قابلیت های شایسته، یکی از مصادیق ارزشمند اهداف و سیاست های سند ملی راهبردی احیاء، نوسازی و توانمندسازی بافت های تاریخی، فرسوده و ناکارآمد شهری با رویکرد بازآفرینی شهر پایدار مصوب سال ۱۳۹۳ کشور به تولیت وزارت محترم راه و شهرسازی و به تبع اولی اداره کل محترم راه و شهرسازی استان زنجان به شمار می رود. قابلیت های محله انتخابی را به شرح زیر می توان بازگو نمود:

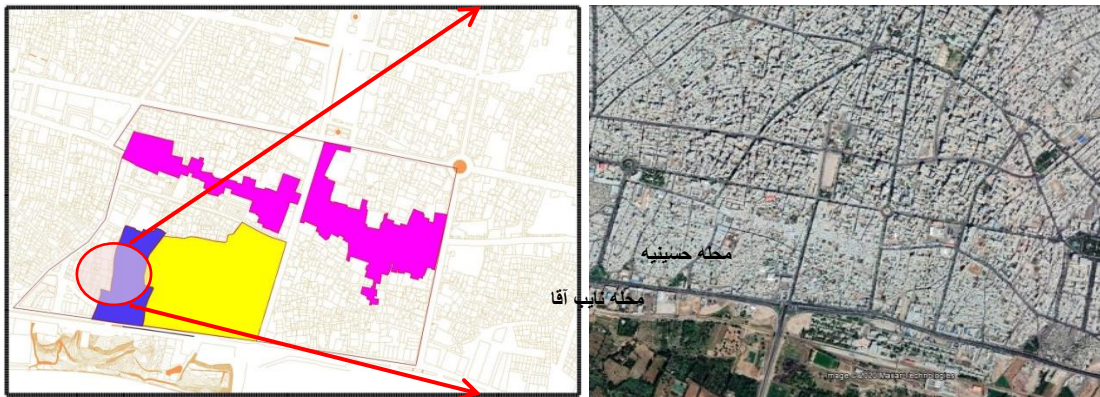
محله حسینی، یکی از بزرگ‌ترین محلات شهر قدیمی زنجان است و نام آن همانند نام اکثریت قریب به اتفاق محلات دیگر از مسجد حسینی‌ای که در آن قرار گرفته، اخذ شده است. این محله از شمال به خیابان ضیایی از سمت شرقی به خیابان فردوسی از سمت جنوبی به خیابان کمربندی و از سمت غربی به محله نایب آقا محدود شده است. وسعت محله نزدیک به ۹ هکتار و در مجموع ۱۷.۳ درصد از بافت‌های تاریخی موسوم به شیت بازار را اشغال نموده است. این محله دارای ۳۶۸ واحد ملکی است.

محله نایب آقا، از نام تکیه‌ای که توسط شخصی موسوم به نایب آقا ساخته شده، مأخوذ است. نامبرده از سوی حکومت مسئولیت حفاظت و حراست سمت غربی شهر را عهده‌دار بوده و اصطلاحاً رئیس پلیس محله اشاقی باش بوده است. محله نایب آقا، از سمت شمال به محله اشاقی‌باش، از سمت جنوب به کوچه سقاخانه (خیابان خیام امروزی)، از سمت شرقی به محله حسینی و از سمت غربی به محله توپ آغاجی محدود بوده و دارای ۳.۵ هکتار وسعت و ۶.۴ درصد از بافت تاریخی موسوم به شیت بازار را اشغال نموده است. تعداد رقبات این محله ۱۵۷ واحد ملکی است. جداول شماره (۴) الی (۷) کیفیت ابنیه و کاربری اراضی این دو محله را نشان می‌دهد.

عنوان	تعداد	درصد
تخریبی	۱۳۷	۸۷.۳
قابل	۱۴	۸.۹
مخروبه	۵	۳.۲
نوساز	۱	۰.۶
تعداد کل	۱۵۷	۱۰۰
جدول شماره (۶) کیفیت ابنیه نایب آقا		
عنوان	تعداد	درصد
مسکونی	۱۴۱	۸۹.۸
مختلط	۶	۳.۸
حمل و نقل	۴	۲.۵
تجاری	۲	۱.۳
آموزشی	۱	۰.۶
خدماتی	۱	۰.۶
تأسیسات	۱	۰.۶
زمین بایر	۱	۰.۶
تعداد کل	۱۵۷	۱۰۰
جدول شماره (۷) کاربری اراضی نایب آقا		
عنوان	تعداد	درصد
مسکونی	۱۴۱	۸۹.۸
مختلط	۶	۳.۸
حمل و نقل	۴	۲.۵
تجاری	۲	۱.۳
آموزشی	۱	۰.۶
خدماتی	۱	۰.۶
تأسیسات	۱	۰.۶
زمین بایر	۱	۰.۶
تعداد کل	۱۵۷	۱۰۰

عنوان	تعداد	درصد
تخریبی	۲۴۴	۶۶.۳
قابل نگهداری	۸۳	۲۲.۶
نوساز	۱۲	۳.۳
مخروبه	۲۹	۷.۸
زمین بایر	۱	۰.۳
تعداد کل	۳۶۸	۱۰۰
جدول شماره (۴) کیفیت ابنیه حسینی		
عنوان	تعداد	درصد
مسکونی	۳۰۶	۸۳.۳
مختلط تجاری	۳۱	۸.۴
خدماتی	۱۰	۲.۷
تجاری	۶	۱.۶
مذهبی	۳	۰.۸
انبار	۲	۰.۵
بهداشتی	۲	۰.۵
پارک و فضای	۱	۰.۳
اداری	۱	۰.۳
زمین بایر	۶	۱.۰۸
تعداد کل	۳۶۸	۱۰۰
جدول شماره (۵) کاربری اراضی حسینی		

نقشه شماره (۱) نیز موقعیت محلات حسینی و نایب آقا را مشخص می‌کند.



نقشه شماره (۱): موقعیت محلہ حسینیہ و نایب آقا

ابنیه تاریخی به عنوان یکی از وجوه بازنمایی فرهنگ و هویت یک ملت، بیانی از راهبردها و ارزش‌هایی است که در طول زمان حفظ گشته و بایستی با حفظ و احیاء آن به نسل‌های بعدی انتقال یابد. در این راستا اقدامات لازم برای بازآفرینی محلات مورد نظر بر اساس اصول زیر صورت پذیرفت:

- شناسایی آثار و اماکن ارزشمند تاریخی در مجموعه بافت و تعیین جایگاه کارکردی در مقیاس طرح و برنامه‌ریزی برای تأمین نیازهای عملکردی بافت از طریق احیای عملکردی این ابنیه.
- برنامه‌ریزی، طراحی و اجرای عملیات احیای عملکردی به موازات مرمت کالبدی برای تطبیق کالبد با نیازهای عملکردی جدید.
- توجه به میزان تأثیرپذیری و تأثیرگذاری موقعیت و کارکرد بنا در مجموعه بافت تاریخی و توجه به تأثیر عملیات مرمت بر مجموعه بافت پیرامونی.
- به‌مورد اجرا گذاشتن عملیات مرمت بنا به‌منظور پیشبرد برنامه احیای بافت تاریخی

در پی مطالعات میدانی انجام گرفته در محدوده مورد مطالعه، بناهای تاریخی زیر مورد شناسایی قرار گرفت:

محلہ حسینیہ: ۱- تکیه حسینیہ ۲- خانه تاریخی داوودی‌ها ۳- خانه تاریخی ضیایی‌ها ۴- عمارت موسوم به زورخانه حاجی عباس.

محلہ نایب آقا: ۱- کوچه جاوید ۲- کاروانسرای تاریخی حاجی ابوالفضل ۳- کاروانسرای تاریخی معبودی ۴- جداره و سردر تاریخی - فرهنگی کوچه جاوید ۵- سردر و جداره تاریخی - فرهنگی در پشت برج و بارو ۶- بقایای برج و بارو. با توجه به اینکه در بازآفرینی محلات حسینیہ و نایب آقا راهبرد ارائه شده حفظ بناهای تاریخی با ارزش موجود در بافت می‌باشد، لذا در این مرحله از تحقیق به تعیین اقدامات کالبدی و غیر کالبدی برگرفته از راهبردها پرداخته شده است.

الف- اقدامات غیر کالبدی

✓ آگاه نمودن ساکنان محلی به ارزش‌های کالبدی موجود در بافت.

- ✓ شناسایی عناصر ارزشمند موجود در بافت به منظور زنده کردن تصویر ذهنی گذشته و اعاده هویت تاریخی و فرهنگ بافت.
- ✓ تعیین ضوابط و الگوهای مناسب برای ساخت و سازهای جدید و همچنین نظارت دقیق بر نوسازی‌هایی که توسط مالکین خانه‌ها در این بافت انجام می‌گیرد.
- ✓ اعمال سیاست‌گذاری‌های تشویقی برای جذب هر چه بیشتر مشارکت‌های مردمی در امر بازآفرینی در مقیاس محلی.
- ✓ اصلاح قوانین و یا ایجاد تغییر در ضوابط و مقررات طرح‌های جامع و تفصیلی با توجه به امکانات و فرصت‌های موجود در بافت.
- ✓ اطلاع‌رسانی و آگاهی به ساکنین و مشارکت‌کنندگان در ساخت و ساز بناها از قوانین پایداری و استحکام بناها و اهمیت آن‌ها.

ب- اقدامات کالبدی

- ✓ ارتقا توسعه زیرساخت‌ها و شبکه معابر.
- ✓ توسعه و تأمین خدمات محله‌ای.
- ✓ ارتقا قلمرو عمومی و توسعه فضاهای شهری متناسب با خواست مردم.
- ✓ هماهنگ نمودن ظرفیت معابر با تراکم‌ها و تعداد طبقات ساختمان‌ها.
- ✓ خدمات‌رسانی و تزریق و تغییر کاربری‌ها در سطح بافت به‌ویژه در مرکز محله.
- ✓ احداث و ایجاد فضاهای خدماتی جدید در پهنه‌های بازسازی‌شده.
- ✓ ایجاد طیف گسترده‌ای از کاربری‌های احیا زندگی شبانه.
- ✓ تأمین فضاهای باز و سبز و ایجاد فضاهای همگانی جدید شهری جهت افزایش حضور شهروندان در بافت
- ✓ در همین راستا، در جدول شماره ۸ مقایسه‌ای بین معیارهای بازآفرینی شهری با معیارهای شهر ایرانی- اسلامی صورت گرفته تا در نهایت راهکارهایی ارائه شود که با تکیه بر آن، بتوان فرایند بازآفرینی شهری را با حداکثر انطباق با شهر ایرانی- اسلامی به سمت توسعه پایدار رهنمون سازد.

جدول شماره (۸): مقایسه اصول بازآفرینی شهری و اصول شهر ایرانی- اسلامی

شاخصه‌ها	اصول بازآفرینی شهری	اصول شهر ایرانی- اسلامی
کالبدی محیطی	اقدامات زیست‌محیطی - ارتقا فضاهای سبز- مدیریت پساب- مصرف بهینه انرژی- ساخت مجدد مراکز شهری - بهبود مسکن - طراحی شهری ترفیع یافته و کیفیت میراث - تسهیلات اجتماعی جدید- حمل و نقل	تأمین مسکن و نیازهای اساسی شهروندان-تأمین امکانات آموزشی و بهداشتی- درمانی برای تمامی اقشار جامعه-استفاده بهینه از منابع طبیعی با بهره‌گیری از اجزا و عناصر معماری خاص اسلامی- سالم سازی محیط زیست شهری با تأکید بر اصل تعاون و همکاری- توجه به رعایت حقوق شهروندی با کاهش آلودگی‌های سمعی- بصری و زیست‌محیطی

اقتصادی	بهبود زیرساخت ها - فرصت های جدید اقتصادی	رفاه اقتصادی و دستیابی به استقلال اقتصادی-عدالت اقتصادی-اشتغال زایی و درآمد معقول برای تمامی اقشار جامعه- کاهش هزینه های اقتصادی ساخت و ساز به دلیل بومی بودن مصالح
اجتماعی	بهبود و ارتقای وضعیت آموزش و خدمات سلامت- نوسازی محلات درونی تسهیلات اجتماعی محلی - اجرای برنامه های محیطی	داشتن هویت اجتماعی و فرهنگی- اصل اندیشه گرایی و مشارکت اجتماعی- حفظ سلامت اجتماعی و امنیت روانی در محیط- رعایت عدالت اجتماعی و حمایت از طبقات ضعیف اجتماعی

بناها و هسته های قدیمی در شهرهای سنتی علاوه بر محتوای فرهنگی و معنوی خود به منزله سرمایه های عظیم اقتصادی نیز تلقی می گردند و تبلور تلاش های مادی و معنوی مردم در طول تاریخ به حساب می آیند. بنابراین بناها و بافت های واحد ارزش تنها یک مورد کالبدی نیستند بلکه مسائل اقتصادی اجتماعی و فرهنگی را نیز دربر می گیرند. در محدوده مورد مطالعه وجود برج و بارو به عنوان ارزش تاریخی، وجود تکیه حسینی به عنوان نمودی از باورهای مذهبی و ارزش های فرهنگی، وجود کاروانسراهای تاریخی به عنوان ارزش های اقتصادی و وجود زورخانه به عنوان ارزش های اجتماعی و فرهنگی محسوب می شود که لازم است در روند بازآفرینی شهری چنان عمل شود که این بافت ها هویت و اصالت خود را از دست ندهند. حفظ سرشت اساسی کالبدی با مجموعه های با ارزش دیرین، پیروی از نظام سلسله مراتب فضاها در بافت قدیم، همسویی با اصول شهر ایرانی - اسلامی، از جمله مواردی است که در روند بازآفرینی شهری باید مورد توجه بیش از پیش قرار گیرد.

نتیجه گیری

یکی از سیاست های کلان راهبردی دولت، سیاست سند ملی راهبردی مربوط به احیا، نوسازی و توانمندسازی بافت های کهن فرسوده و ناکارآمد کهن شهرهای ایران که در سال ۱۳۹۳ به تصویب هیئت محترم وزیران رسیده است. این سیاست به دنبال ناکامی های حاصل از عملکرد پیشین دولت در مواجهه با بافت های تاریخی اتخاذ شده که رویکرد آن عمدتاً متکی بر رهیافت های دستوری و یک سو از بالا به پایین متمرکز بوده است. اگرچه در بینش جهانی در کشورهای پیشرفته، در باب حفاظت از ارزش های فرهنگی تاریخی در محیط های شهری، تجارب شایسته ای وجود دارد اما این بینش در کشورهای در حال توسعه و عقب نگه داشته شده که تصادفاً بافت های با ارزشی هم دارند، هنوز حل و فصل نشده و همه بافت های تاریخی آن ابعاد ناشایست و غیر قابل تحملی را به خود گرفته است. این وضعیت در محیطی است که هویت های تاریخی شهرها را مورد هدف قرار می دهد. مگر نه این است که تجربه های مدنیت اقوام در بستر تاریخ آن قوم انباشته می شود و قطع نمودن ارتباط جوامع با تاریخ هم موجبات گسیختگی فرهنگ و تمدن را فراهم خواهد ساخت. ایجاد تکوین و تطور شهرهای کهن نیز مستثنی بر این قاعده نمی تواند باشد. به عبارت دیگر، از آنجایی که شهرها در درازمدت و به کندی، متناسب با اوضاع و احوال اجتماعی، طبیعی، اقتصادی، فرهنگی و ... ساکنان آن پدید می آیند، بنابراین نسبت به شهرهایی که به تندی و بدون عنایت به پدیده های مزبور ایجاد شده اند. کارآمدتر و پایدارترند.

از این نظرگاه است که بافت‌های تاریخی شهرها از ابعاد گوناگون دارای اهمیت شایسته‌اند و لاجرم توجه به آن‌ها از ضروریات مدیریت شهری است، چراکه استقرار بافت‌های تاریخی در مرکز شهرها، موجبات وحدت‌بخشی به پیکره شهر را فراهم ساخته و از گسیختگی آن جلوگیری می‌نماید. بافت‌های تاریخی، بناها، بدنه‌ها، علائم ارزشمند تاریخی-فرهنگی را در خود جای داده و عالی‌ترین نشانه‌های هویت شهری را عرضه نموده و خاطرات شهری شهروندان را زنده می‌نمایند. وجود عناصری همانند مساجد تاریخی، راسته‌های بازار، حسینیه‌ها، امامزاده‌ها، آب‌انبارها، کاروانسراها، دواوین حکومتی، خانه‌های ارزشمند تاریخی و ... در این محلات و اهمیت یافتن بار فرهنگی، هنری، سنتی شهر در ارتقا مدنیت شهری بی‌همتا است. اهمیت داشتن این محلات در برنامه‌های مربوط به خدمات‌رسانی در هنگامه وقوع بحران‌های طبیعی و مصنوعی و حل مشکلات مربوط به ناکارآمدی شبکه‌های ارتباطی و جبران خدمات شهری برای شهروندان و ساکنین بافت. نتایج حاصل از مورد مذاقه قرارداد تجارب جهانی در بهسازی و نوسازی بافت‌های کهن شهری نشان‌دهنده این واقعیت است که در این زمینه سؤالات عدیده‌ای هنوز بدون پاسخ است و نظریه‌های پویای مداخله در بافت‌های تاریخی و فرسوده به‌ویژه در کشورهای در حال توسعه به‌طور تجریدی و انتزاعی در حل مشکلات به وجود آمده فاقد کارایی مورد انتظار است اما استفاده موردی از این تئوری‌ها به‌طور تلفیقی می‌تواند مفید فایده باشد.

منابع:

- اسماعیلی برلیان، مجید. (۱۳۸۹). «سیما و بافت شهرهای اسلامی». ماهنامه شوراها، شماره ۵۳، ۵۹-۶۴.
- پوراحمد، احمد. (۱۳۷۰). جغرافیا و ساخت شهر کرمان. تهران: انتشارات دفتر مرکزی جهاد دانشگاهی.
- پوراحمد، احمد؛ کیومرث حبیبی و کشاورز، مهناز. (۱۳۸۹). «سیر تحول مفهوم بازآفرینی شهری به عنوان رویکرد نو در بافت های فرسوده شهری». ۱- ۲۴.
- حمیدی، ملیحه و همکاران. (۱۳۷۶). استخوان بندی شهر تهران. جلد اول، بررسی مفاهیم و نمونه ها (ایران-جهان)، سازمان مشاور فنی و مهندسی شهر تهران، تهران: معاونت فنی و عمرانی شهرداری تهران.
- حکیم، بسیم سلیم. (۱۳۸۱). شهرهای عربی - اسلامی: اصول شهرسازی و ساختمانی، ترجمه محمدحسین ملک احمدی و عارف اقوامی مقدم، تهران: وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.
- رحمتی دلیر، ثریا؛ ملک حسینی، عباس. (۱۳۹۸). «بررسی میزان انطباق پذیری مدیریت شهری ایران با اصول حکمرانی خوب شهری (مطالعه موردی: شهر کنگاور)». مطالعات هنر اسلامی، ۱۵(۳۳)، ۱۶۴-۱۸۹.
- شکویی، حسین. (۱۳۷۸). اندیشه های نو در فلسفه جغرافیا. جلد اول، چاپ سوم، تهران: انتشارات گیتاشناسی.
- علوی زاده، سیده الهام؛ اسلامی، سید غلامرضا و حبیب، فرح. (۱۳۹۷). «تبیین الگوی شبه فرکتال در ساختار زمینه محور بازارهای سنتی ایرانی». مطالعات هنر اسلامی، ۱۴(۲۹)، ۲۸-۵۷.
- فرشیدی، حسین. (۱۳۸۹). «درآمدی بر ارزش های حاکم بر شهرسازی ایرانی - اسلامی». ماهنامه اطلاع رسانی، آموزشی و پژوهشی شوراها، شماره ۳، ۵۳.
- کلانتری خلیل آباد؛ حسین و دیگران. (۱۳۸۴). فنون و تجارب برنامه ریزی مرمت بافت تاریخی شهرها. تهران: سازمان انتشارات جهاد دانشگاهی.
- کونئو، پائولو. (۱۳۸۴). تاریخ شهرسازی جهان اسلام. ترجمه سعید تیزقل منوری، تهران: شرکت عمران و بهسازی.
- مروتی، سهراب؛ دارابی، فرشته. (۱۳۹۳). «ارائه مدل ارزیابی شهر اسلامی با رویکردی بر شاخص های بارز شهر اسلامی در قرآن کریم». مدیریت شهری، شماره ۳۴، ۱۶۹-۱۵۳.
- لطیفی، غلامرضا؛ صفری چابک، ندا. (۱۳۹۱). «بازآفرینی مفهوم محله در شهرهای ایرانی اسلامی بر پایه اصول نوشهر گرایی». فصلنامه مطالعات شهری، شماره ۷، ۱۲-۳.
- مرکز آمار ایران. (۱۳۸۶). نتایج سرشماری عمومی نفوس و مسکن. زنجان: ۱۳۸۵.
- مرکز مطالعات فرهنگی خاورمیانه ای توکیو. (۱۳۸۳). شهرنشینی در اسلام. جلد اول، ترجمه مهدی افشار، دفتر پژوهش های فرهنگی، تهران.

منصوری، سید امیر. (۱۳۹۲). «سازمان فضایی در شهر اسلامی ایران». فصلنامه هنر و تمدن شرق، سال اول، شماره اول، ۵۳-۶۴.

نقی زاده، محمد. (۱۳۸۷). شهر و معماری اسلامی (تجلیات و عینیات). اصفهان: انتشارات مانی.

نوریان، فرشاد؛ آریانا، اندیشه. (۱۳۹۱). «تحلیل چگونگی حمایت قانون از مشارکت عمومی در بازآفرینی شهری مطالعه موردی: میدان امام علی (عتیق) اصفهان». نشریه هنرهای زیبا معماری و شهرسازی، ۱۷ (۲)، ۱۵-۲۷.

Aazam, Z. (2007). THE SOCIAL LOGIC OF THE MOSQUE: a study in the relationships between building typology and urban morphology, Proceedings, 6th International Space Syntax Symposium, Istanbul, Turkey.

Akbar, J. (1988). "Crisis in the Built Environment," Singapore: Concept Mass Media.

Ben-Hamouche, M. (2003). "Decision-Making System and Urban Geometry: The Case of Algeria", Journal of Architectural Planning Research, 20(4).

Hakim, B. (2007) . "Generative Processes for Revitalizing Historic Town or Historic Heritage". Urban Design International 12: 87-99.

Hakim, B., & Zubair, A. (2006). "Rule or the built Environment in 19th Century Northern Nigeria". Journal of Architectural & Planning Research, 23(1): 1-26.

Hajipoor, Kh. (2007). Introduction to the evolution and development of urban restoration approaches (the period after the First World War to the millennium). Urbanology Journal, 2 (9&10).

Karimi, K. (1997). The Spatial Logic Organic in Iran and United Kingdom, Space Syntax First International Symposium, Proceeding Volume I. Comparative Cities, London.

Roberts, P. Sykes, H. (2000). Urban Regeneration: A Handbook. London: Sage

Hall, T., & Robertson, I. (2001). "Public Art and Urban Regeneration". Landscape Research, 26(1), 5-26.